

بازگشت به خانه

نویسنده: یا جسی
مترجم: شیرین ملک فاضلی



کتابسرای تندیس

مامه

+

کبی اوچر

م. یزرگ مرد آساره

رافیا اوچر
جیمز کالنیز

? + اسی آساره

کورا ای کالنیز
ناتایا بیواه

نِس اِسِتو کام
م. سم

جیمز ریچارد کالنیز
آکواساه منساه

کوجو فریمین
آنا فوستر

اینا کالنیز
اهین نیارگو

اگنس

بولاله

کاتو

دالی

اورياس

فلیسیتی

گرسیه

H. بلک

اِسْتَر جکسون

آکوا کالنیز
آسامواه آگیکوم

هیزل

الی دالتون

+

ویلی بلک
م. رابرت کلیفتون

اینا
«آبی»

آما
سرواه

باو آگیکوم
آسْتَر آمواه

ژوزفین

کارسون «سانی»
کلنیتون + اماتی
زولمل

مار جوری
آگیکوم

مار کوس کلیفتون

بازگشت به خانه

افیا

شبی که افیا اوچر در میان بویناک فانته‌لند به دنیا آمد، درست بیرون مجموعه‌ی مسکونی پدرش آتشی به جان جنگل افتاد. آتش، بی‌امان پیش رفت و چندین روز هرچه را سر راهش بود، سوزاند. هوا را بلعید؛ توی غارها رسوخ کرد و توی درخت‌ها پنهان شد؛ بی‌اعتنا به ویرانی پشت سرش، بود و نبود را سوزاند تا اینکه به دهکده‌ی آسانته رسید. سرانجام آنجا ناپدید شد و به شب آمیخت.

کُبی اوچر، پدر افیا، همسر اولش، بابِه و نوزادش را ترک کرد بلکه بتواند آسیبی را برآورد کند که به مزرعه‌های سیب‌زمینی، ارزشمندترین محصول شناخته‌شده برای دوام خانواده‌ها، وارد شده بود. کُبی هفت زمین سیب‌زمینی‌اش را از دست داده بود و هر از دست دادنی را همچون تیشه‌ای بر ریشه‌ی خانواده‌اش حس می‌کرد. می‌دانست یاد این آتش‌سوزی که همه‌چیز را سوزاند و رفت، از سر او و بچه‌هایش و نوه‌هایش و بقیه‌ی نسلش تا انتها، دست برنمی‌دارد. وقتی به آلونک بابِه برگشت و کودکِ شبِ آتش را دید که شیون می‌کند، به همسرش نگاه کرد و گفت: «دیگه حتی یک کلوم درباره‌ی اتفاق امروز حرف نمی‌زنیم.»